

Research Article

Investigating Factors Related to the Employment of graduates of knowledge and information science¹

Zahra Sadrabady

M.A. Knowledge and Information Science, Faculty of Literature and Humanities, University of
Qom, Qom, Iran. sadrabadyzahra@gmail.com

Mahdi Mohammadi

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Literature and
Humanities, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

Mahdi.Mohammadi203@gmail.com

Abstract

Aim: To gain a proper job position for graduates of knowledge and information science related to their studies and more graduates in this field who can experience specialized job opportunities, it is essential to investigate the factors associated with their employment. The purpose of this study is to investigate the factors related to the employment of graduates of knowledge and information science.

Methodology: This study is an applied research using a descriptive survey method that is done with a researcher-made questionnaire. Its statistical population consists of all graduates in the field of knowledge and information science of Qom University, 402 people. 302 people completed the questionnaires.

Findings: The findings showed that there is a significant relationship between the level of education of individuals with the rate of employment as well as occupations related to the field. "Lack of work" was the main cause of unemployment and the "inadequate labor market" was the major factor in the employment of unrelated jobs. 61/9% of the respondents said that the effect of total academic factors on graduates' employment growth, was high or very high. Some of these influential factors are the Existence and growth of the University Scientific Community, The University's relationship with other organizations and institutions with activities that are related to the field, Introducing collegians to organizations and centers with related activities by the University for Internship, honorary work and gaining experience, etc.

1. **The present study is taken from:** Zahra Sadrabadi's master's thesis, entitled: **A study of the employment status of graduates in the field of information science and science**. Supervisor: Mehdi Mohammadi, Presented in the Department of Information Science and Science, Qom University, in 1398.

Received: 2020/02/18 ; **Accepted:** 2020/08/31

**Copyright © the authors

Personal interest (35.5%) and appropriate working environment (24.2%) are the most important reasons for continuing to work in the occupations related to the field. Also, most of the respondents considered that practical courses and specialized lessons meet the needs of related jobs. The length of time of employment is also associated with a desire to change jobs.

Conclusion: According to the findings, increasing the level of specialized education in this field can increase the chances of employment. In the respondents' opinions planning to implement academic factors affects their employment status, and job stability depends on resolving job problems (such as low salaries and benefits), personal interest in the job, and appropriate work environment.

Keywords: Employment, Graduate, Job getting, Job stability, knowledge and information science.

بررسی عوامل مرتبط با اشتغال فارغ التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (مطالعه موردی فارغ التحصیلان دانشگاه قم)^۱

زهرا صدرآبادی

کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.
sadrabadyzahra@gmail.com

مهدی محمدی

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
Mahdi.Mohammadi203@gmail.com

چکیده

هدف: برای اینکه فارغ التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به جایگاه شغلی شایسته‌ی آموخته‌های خود دست یابند و فارغ التحصیلان بیشتری از این رشته، بتوانند فرصت‌های شغلی تخصصی را تجربه نمایند، بررسی عوامل مرتبط با اشتغال آنان ضروری است. هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مرتبط با اشتغال فارغ التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی می‌باشد.

روش‌شناسی: این مطالعه، پژوهشی کاربردی است که با استفاده از روش پیمایشی-توصیفی و با بکارگیری ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته صورت گرفته است. جامعه آماری آن را کلیه فارغ التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه قم که ۴۰۲ نفر بودند، تشکیل می‌دهند، از این میان ۳۰۲ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند.

نتایج: بین سطح تحصیلات افراد با میزان اشتغال عمومی و همچنین شغل‌های مرتبط با رشته ارتباط وجود دارد. «نبود کار» عمده‌ترین عامل بیکاری و «نامناسب بودن بازار کار» عمده‌ترین عامل اشتغال به شغل‌های غیرمرتبط شناخته شد. ۶۱/۹ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که تاثیر مجموع عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ التحصیلان، زیاد یا بسیار زیاد بوده است. علاقه شخصی (۳۵/۵ درصد) و محیط شغلی مناسب (۲۴/۲ درصد) مهم‌ترین دلیل برای ادامه فعالیت در شغل فعلی شاغلین حوزه‌های تخصصی رشته می‌باشد. سابقه کاری هم با تمایل به تغییر شغل، ارتباط دارد.

نتیجه‌گیری: افزایش سطح تحصیلات تخصصی این رشته می‌تواند احتمال اشتغال افراد را افزایش دهد. به عقیده‌ی پاسخ‌گویان، برنامه‌ریزی برای اجرای عوامل دانشگاهی، وضعیت کارایی آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و ثبات شغلی بستگی به رفع مشکلات شغلی (همچون حقوق و مزایای کم)، علاقه شخصی افراد و محیط کاری مناسب دارد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، کارایی، ثبات شغلی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کتابداری، دانشگاه قم.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا صدرآبادی، با عنوان: بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان رشته علم اطلاعات و

دانش‌شناسی، استاد راهنما: مهدی محمدی، ارائه شده در گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه قم، در سال ۱۳۹۸ است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

۱. مقدمه

هر کشوری برای دستیابی به توسعه و پیشرفت در زمینه‌های گوناگون، توانمندسازی خود و دستیابی به خودکفایی و خوداتکایی، ناگزیر از تربیت و پرورش نیروی انسانی دانشمند، کاردان، مؤثر و توانمند در تخصص‌های گوناگون است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را می‌توان از جمله عالی‌ترین متصدیان این امر در کشور تلقی کرد. بررسی عملکرد مراکز دانشگاهی در این رابطه مؤلفه‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین سنجه‌ها «وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان» می‌باشد. روشن است که بخش اعظم جوانان به امید اشتغال وارد دانشگاه‌ها می‌شوند و انتظار دارند پس از فراغت از تحصیل، شاغل شوند. به علاوه، با توجه به اینکه نیروی انسانی متخصص، از عوامل اساسی توسعه در هر کشور است، انتظار کسب اشتغال پس از طی آموزش‌های عالی، دور از ذهن نیست (حسین‌نژاد، ۱۳۹۴). در این میان دانشگاه‌ها نیز از توانایی و امکانات زیادی برای زمینه‌سازی اشتغال و کارآفرینی فارغ‌التحصیلان، آموزش دانش و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، ایجاد پیوند با مشاغل تخصصی، جهت‌دهی به دانشجویان در جهت انتخاب‌های صحیح تحصیلی و شغلی و... برخوردارند که باید براساس آن، وظایفی را بر عهده گرفته و با احساس دغدغه نسبت به کارایی و اثربخشی دانش‌آموختگان، تحولی را در زمینه‌ی اشتغال آنان رقم بزنند. اما با وجود این ظرفیت و اهمیت موضوع، جای تعجب دارد که مسئله‌ی اشتغال و توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان ایران طی سال‌های اخیر، در وضعیتی است که به ادعای برخی تحقیقات، در زمره‌ی تهدیدهای امنیتی به شمار آمده و در تقابل با توسعه‌ی ملی وصف می‌شود (صالحی عمرانی، ۱۳۸۵). صحیح‌تر آن است که حرکت بنیادین و تحولی در زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان، از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شروع گردد و همانطور که رویه‌ی علمی اقتضاء می‌کند، نقطه‌ی عطف و شروع فعالیت‌های اجرایی، انجام پژوهش در زمینه‌های مرتبط است. از آنجا که پژوهشگران خود را متعهد می‌دانند که یافته‌های آن‌ها مبتنی بر واقعیات موجود و بدون سوگیری باشد، این یافته‌ها ضامن انسجام و اثرگذاری بیشتر اقدامات اجرایی خواهد بود. بنابراین، وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان مراکز و رشته‌های مختلف علمی، همچنین عوامل مؤثر بر اشتغال، کارآفرینی، کاربایی، ثبات شغلی و مسائلی که کفایت در انجام وظایف شغلی فارغ‌التحصیلان را بالا می‌برد، باید به صورت دقیق مورد واکاوی قرار بگیرد. فقدان این حرکت علمی، آثار مخربی خواهد داشت. به عنوان نمونه، در ایران سالانه دانشگاه‌ها اقدام به جذب تعداد زیادی نیروی انسانی

در رشته‌های مختلف می‌کنند، اما یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که در کشور ایران، فقدان ارتباط نزدیک بین دانشگاه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه موجب شده است که بین ظرفیت دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص، تناسب وجود نداشته و یکی از علل آن، عدم هماهنگی و انسجام در تصمیم‌گیری بین نظام آموزش عالی با سایر بخش‌های جامعه است (قائد رحمت، ۱۳۹۶). بنابراین، با ارزیابی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان و واکاوی عوامل مختلف تاثیرگذار در ایجاد شغل و... است که می‌توان سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای موسسات آموزش عالی را از جهات مختلفی مانند میزان پذیرش، کیفیت محتوا، روش آموزش، ایجاد بسترهای شغلی مناسب و... مورد سنجش قرار داد و تصمیمات بهتر را جایگزین نمود. همان‌طور که گفته شد، حرکت تحول‌آفرین در اشتغال فارغ‌التحصیلان، با شروع حرکت پژوهشی دست‌یافتنی‌تر به نظر می‌رسد. به همین منظور، پژوهش‌هایی در سالیان متمادی به صورت پراکنده مسئله اشتغال را واکاوی کرده‌اند.

در میان رشته‌های تحصیلی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی یک رشته‌ی کاربردی است که فارغ‌التحصیلان آن، با بهره‌مندی از روش‌های علمی قادر خواهند بود در ارائه‌ی اطلاعات مورد نیاز و خدمات پژوهشی در کتابخانه‌ها، کتابخانه‌های دیجیتال، آرشیوها و...، پژوهشگران را یاری کنند. دانشگاه قم نیز نزدیک به بیست سال است که آموزش‌های لازم را به دانش‌آموختگان این رشته ارائه کرده است. با این وجود، در طول این سال‌ها وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان با تأکید بر عوامل تاثیرگذار بر آن، به صورت پژوهش علمی مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بیشتر بر مبنای تخمین‌ها و تجربیات مقطعی دست‌اندرکاران می‌باشد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، برای اینکه فارغ‌التحصیلان این رشته به جایگاه شغلی شایسته‌ی آموخته‌های خود دست یابند و فارغ‌التحصیلان بیشتری از این رشته، بتوانند فرصت‌های شغلی تخصصی را تجربه نمایند، واکاوی عوامل مرتبط با اشتغال آنان ضروری می‌نماید.

در پژوهش حاضر، مسئله اصلی «بررسی عوامل مرتبط با اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی» در دانشگاه قم است. عواملی که این تحقیق بر آن متمرکز بوده، ابعاد گوناگونی دارد. در وهله‌ی اول، به یک عامل مهم که با وضعیت موجود و فعلیت‌یافته‌ی شاغلین این رشته و شاغلین حوزه‌های تخصصی آن مرتبط بوده، اشاره شده است. دسته‌ی دیگر عواملی است که از دیدگاه فارغ‌التحصیلان کاربایی، آنان را ارتقاء می‌دهد و سپس عواملی که ثبات شغلی

فارغ‌التحصیلان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بررسی شده است. این عوامل در پاسخ‌گویی به سؤالات زیر روشن گردیده است.

- ۱) تا چه میزان بین سطح تحصیلات دانشگاهی با اشتغال به طور کلی و همچنین اشتغال در حوزه‌های تخصصی رشته با جنسیت فارغ‌التحصیلان رابطه وجود دارد؟
- ۲) مهم‌ترین عوامل عدم اشتغال از دیدگاه فارغ‌التحصیلان بیکار چیست؟
- ۳) مهم‌ترین عوامل عدم اشتغال به شغل مرتبط با رشته، از دیدگاه شاغلین شغل‌های غیرمرتبط با رشته چیست؟
- ۴) دیدگاه فارغ‌التحصیلان در خصوص مهارت‌های مورد نیاز در اشتغال و موفقیت رشته در ایجاد آن مهارت‌ها چیست؟
- ۵) از دیدگاه فارغ‌التحصیلان، چه عوامل دانشگاهی در رشد‌کارایی آنان، اثرگذار است؟
- ۶) مهم‌ترین مشکلات شغلی و مهم‌ترین علت تغییر شغل در بین شاغلین حوزه‌های تخصصی رشته چیست؟

وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری سابق) در پژوهش مجذوب صفا (۱۳۵۰)، گنجیان (۱۳۵۳)، اخترپور (۱۳۷۴)، کربلاآقایی کامران (۱۳۸۷)، آقاجان (۱۳۹۱)، منصوریان، علیپور و قربانی بوساری (۱۳۹۲)، صفوی و مرادی (۱۳۹۲)، جهانی (۱۳۹۳)، زرقانی و همکاران (۱۳۹۵) و بیگدلی، طاهرزاده موسویان و شاهینی (۱۳۹۶) مورد توجه قرار گرفته و جنبه‌های مختلفی از وضعیت اشتغال را مطالعه کرده‌اند. تحقیقات مشابهی نیز در سایر رشته‌ها انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش دهنوی (۱۳۷۶)، مهدی‌نژاد (۱۳۷۹)، بختیار نصرآبادی و نوروزی (۱۳۸۴)، شریعت‌زاده (۱۳۸۸)، حبیب‌اله نتاج عمران (۱۳۹۰)، زینالی (۱۳۹۰)، شرفی و مقدم (۱۳۹۳)، رحیمیان، جهانی جوانمردی و نوروزی (۱۳۹۷) و جعفری هرنندی (۱۳۹۸) اشاره نمود. علاوه بر این در کشورهای دیگر نیز بررسی وضعیت اشتغال، موضوع برخی پژوهش‌ها قرار گرفته است. پژوهش لوتوما و کیگونگو بوکنیا^۱ (۲۰۰۴) در کشور اوگاندا، لی و ژانگ^۲ (۲۰۱۰) در کشور چین، گارسیا آلوارز^۳ و

1. Lutwama & Kigongo-Bukenya

2. Li & Zhang

3. Garcia Alvarez

همکاران (۲۰۱۴) در کشور شیلی، تحقیق مرکز مطالعات کارایی دانشگاه اونتاریو غربی^۱ (۲۰۱۷) و پژوهش بابو بارال^۲ (۲۰۱۸) در دانشگاه جانپریا پردیس چندگانه^۳، به این موضوع اختصاص دارد. در این میان پژوهش‌هایی که عوامل مرتبط و مؤثر در اشتغال را مورد توجه قرار داده‌اند، به شرح زیر است:

الف (۱۳۸۲) در پژوهشی به منظور مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی، دیدگاه کلیه دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی دانشگاه‌های دولتی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹ را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های وی نشان داد، فارغ‌التحصیلان، علل اشتغال به مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی را، عدم شناخت سازمان‌ها از رشته، نداشتن معرف برای استخدام، نامرتبط بودن دروس با بازار کار، نیاز به تجربه قبلی در شغل‌های مرتبط، نداشتن پایان خدمت، نداشتن مهارت‌های لازم برای انجام شغل مرتبط و... دانسته‌اند. علاوه بر این توانایی‌های عملی کسب شده در دانشگاه و داشتن تجربه‌ی قبلی از عوامل مؤثر بر اشتغال در حوزه‌های تخصصی قلمداد شده است.

پژوهش دیگری در این حوزه، توسط کربلاآقایی کامران (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان زن مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال‌های رکود جذب فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌ها در بازار کار (۱۳۷۶-۱۳۸۰)» به روش پیمایشی توصیفی و با ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش ۱۲۸ نفر از فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ مقطع کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا(س) بودند که از این میان ۱۰۶ نفر (۸۲/۸ درصد) پرسشنامه را تکمیل کردند. در میان کسانی که اذعان به بیکاری کرده‌اند، عمده‌ترین دلیل بیکاری (۶۶/۶ درصد) دلایل شخصی مثل مخالفت همسر، ازدواج، فرزندداری و... بود. در میان کسانی که به شغل غیرمرتبط با رشته مشغول شده‌اند، عمده‌ترین دلیل، «نیافتن شغل مرتبط با رشته» ذکر شده است.

سعیدی‌رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) در تحقیقی پیمایشی به بررسی «سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد و

1. University of Western Ontario

2. Babu Baral

3. Janapriya Multiple Campus

عوامل مرتبط با آن» پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که، فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی از شرایط اجتماعی مرتبط با کار، ارزیابی خوبی نداشته‌اند. به طوری که از نظر اکثریت مطلق این افراد، شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهم‌تر از مهارت داشتن ارزیابی شده است. فارغ‌التحصیلان مذکور زمینه‌سازی دانشگاه، در جهت اشتغال را کاملاً منفی ترسیم می‌نمایند. به گونه‌ای که اکثریت مطلق افراد ابراز می‌دارند که در دانشگاه مقدمات آشنایی با نیازهای بازار کار و سایر موارد لازم، ابتدا فراهم نبوده است.

محمودیان و رشوند (۱۳۹۱)، در پژوهشی اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن را در بین کلیه فارغ‌التحصیلان (آموزش عالی) زن و فعال ۲۰ سال و بیشتر شهر تهران مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که بین سن فارغ‌التحصیلان و اشتغال، رابطه معناداری وجود دارد، به نحوی که با افزایش سن، احتمال اشتغال بالاتر می‌رود. مردان از احتمال اشتغال به مراتب بیشتری در مقایسه با زنان برخوردار هستند. در بین زنان تجربه فرزندآوری و تعداد فرزندان با وضعیت اشتغال رابطه معناداری دارد. همچنین بین سطح تحصیلات فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و اشتغال رابطه معناداری مشاهده شد.

صفوی و مرادی (۱۳۹۲)، در یک تحقیق کاربردی با عنوان «چالش‌ها و موانع ترغیب دانش‌آموختگان رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی به ایجاد کارآفرینی و اشتغال‌زایی»، ۱۲۲ نفر از دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم و فناوری و دانشگاه آزاد اسلامی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین مانع ترغیب دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی به ایجاد کارآفرینی و اشتغال‌زایی، نبود آموزش مناسب جهت کسب درآمد از مهارت‌های حرفه‌ای است. همچنین، نبود نهادهای حمایتی رسمی و غیررسمی مناسب، کم‌اثرترین عامل عدم کارآفرینی می‌باشد.

احمدی (۱۳۹۳)، در «بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی و عوامل مرتبط با آن» در بین کلیه دانش‌آموختگان رشته جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج طی سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ دریافت که ۳۸ درصد از شاغلین، در زمینه‌های غیرمرتبط با رشته اشتغال داشته‌اند. جنسیت، دوره تحصیلی روزانه- شبانه، شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی، شهری یا روستایی بودن و معدل دروس نظری با اشتغال رابطه معناداری ندارد، اما مقطع تحصیلی، معدل دروس عملی، معدل کل و انجام فعالیت‌های پژوهشی با وضعیت اشتغال رابطه معناداری دارند.

حسین‌نژاد (۱۳۹۴)، در یک تحقیق پیمایشی به منظور بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم انسانی دانشگاه یاسوج طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و ارتباط آن با برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیتی^۱ دیدگاه‌های ۲۳۲ نفر از دانش‌آموختگان رشته‌های جامعه‌شناسی، ادبیات فارسی، زبان انگلیسی و علوم سیاسی دانشگاه یاسوج را در سال‌های ۸۸-۹۲ مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که معدل کل، محل زندگی، جنسیت، دوره‌های آموزشی پس از فراغت از تحصیل، کار دانشجویی و نوع گزینش با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری ندارند، اما رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، انجام کار پژوهشی، علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و وضعیت تحصیلی (شبان، روزانه)، با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری دارند.

باغفلکی و پرندین (۱۳۹۶)، در پژوهشی عوامل مؤثر بر بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه^۲ را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که در بین عوامل آموزشی، مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی که هر کدام به صورت معنادار بر بیکاری اثر گذاشته‌اند، سهم عوامل فرهنگی و اجتماعی در تأثیر بر میزان بیکاری بیشتر است.

اوچالا و شانگوی^۱ (۲۰۱۳) با تحلیل محتوای آگهی‌های تبلیغاتی مرتبط با علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، در چهار روزنامه‌ی هفتگی آفریقای جنوبی به تجزیه و تحلیل بازار کار علوم اطلاعات (LIS)^۲ در آفریقای جنوبی^۳ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که، از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ در بازار اشتغال LIS رشد مداوم صورت گرفته که احتمالاً ناشی از رشد در اقتصاد آفریقای جنوبی و یا به رسمیت شناخته شدن نقش اقتصادی علم اطلاعات توسط سازمان‌ها است. همچنین، این امر حاکی از نیاز روزافزون به مهارت‌های مهم مدیریت دانش در بخش‌های دولتی و خصوصی است. محققان اذعان کرده‌اند که، بخش دولتی بویژه مؤسسات دانشگاهی، ادارات دولتی و... به عنوان اصلی‌ترین درخواست‌دهنده مشاغل LIS در آفریقای جنوبی شناخته شدند. البته در سال ۲۰۱۲ آفریقای جنوبی با کاهش قابل توجه بازار کار LIS مواجه بوده که ممکن است بازتابی از مشکلات رایج اقتصاد جهانی کنونی باشد.

ماگویی و هیکوا^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی روی فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد علوم کتابداری

1. Shongwe, M. & Ocholla, D
2. Librarian & Information Science
3. Mugwisi & Hikwa

و اطلاع‌رسانی از دانشگاه ملی علوم و فناوری، بولاویو، زیمبابوه» با نظرخواهی از ۳۳ نفر از فارغ‌التحصیلان رشته بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۳ نشان دادند، با اینکه اکثر پاسخ‌دهندگان در دانشگاه‌ها شاغل بودند، اما این مطالعه حاکی از ناکافی بودن برنامه درسی و لزوم بررسی محتوای درسی جهت هماهنگی با بازار کار است.

علاوه بر این، فنتا و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «تجزیه و تحلیل عوامل جانبی مؤثر بر اشتغال فارغ‌التحصیلان جدید: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بهیر دار» در کشور اتیوپی، با مطالعه دیدگاه ۸۶۷ نفر از ۴۲۰۸ فارغ‌التحصیل، به این نتیجه رسیدند که ۷۹ درصد دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل شاغل بوده و ۶۵ درصد اعلام کردند که برای یافتن اولین شغل خود از آگهی عمومی استخدام استفاده می‌کنند و ۵۸ درصد گزارش داده‌اند که کارفرمایان برای استخدام آن‌ها از آزمون، بهره گرفته‌اند. این مطالعه همچنین نشان داد که بین نمره فارغ‌التحصیلان در درس «کارآموزی» و وضعیت اشتغال همبستگی مثبت وجود دارد. در رابطه با توانایی فارغ‌التحصیلان در مهارت‌های ارتباطی و وضعیت اشتغال نیز نتایج به همین گونه است. پیشنهاد این پژوهش، ارتقاء برنامه درسی فعلی دانشگاه برای تحقق اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان می‌باشد.

بررسی پیشینه‌های مرتبط با پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مسئله اشتغال و عوامل آن به صورت مقطعی و پراکنده در مراکز دانشگاهی مختلفی انجام شده، اما چرا این تحقیقات جهشی در بهبود وضعیت اشتغال رقم زده است؟ به نظر می‌رسد، عدم انسجام و نظام‌مند نبودن آن‌ها و به علاوه کافی نبودن تعداد این دسته از تحقیقات در رشته‌های مختلف تحصیلی، در دوره‌های زمانی کوتاه و در مناطق و مقاطع مختلف و همچنین کمبود رویکرد عامل‌شناسی در تحقیقات، شرایط را چندان به نفع اصلاح وضعیت اشتغال پیش نبرده است، در حالی که ایجاد تحول در زمینه‌ی اشتغال فارغ‌التحصیلان نیازمند نظام‌مند ساختن پژوهش‌های این عرصه و دستیابی به داده‌های اطلاعاتی و نتایج آماری از مراکز و رشته‌های مختلف تحصیلی با توجه به عوامل شکل‌دهنده‌ی واقعیات شغلی موجود است. در همین راستا، نویسندگان تحقیق حاضر در حوزه تخصصی علم اطلاعات و دانش‌شناسی تعدادی از عوامل مرتبط و مؤثر بر وضعیت اشتغال را بررسی کرده‌اند.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش که در رده‌ی تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید، به روش پیمایشی - توصیفی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شده است. روایی پرسشنامه را ۵ نفر از اساتید و متخصصان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی و یک استاد آمار تأیید نموده و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۴۱ مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه‌ی فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه قم در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد (۴۰۲ نفر) بوده که اطلاعات تماس آن‌ها با استفاده از فهرست فارغ‌التحصیلان معاونت آموزشی دانشگاه قم در اختیار قرار گرفت. در این تحقیق نمونه‌گیری صورت نگرفت، بلکه کل جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفتند و در نهایت پس از تلاش‌های پژوهشگر ۳۰۲ نفر (۷۵/۱ درصد) از فارغ‌التحصیلان پرسشنامه‌های ارسالی را تکمیل نمودند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (جداول فراوانی، نمودارهای مناسب، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون خی دو) استفاده شد و کلیه تحلیل‌ها با استفاده از نسخه ۲۴ نرم‌افزار Spss انجام گرفت.

۳. یافته‌ها

در این قسمت نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه شده است. در ابتدا مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفته، سپس براساس داده‌های گردآمده، سؤال‌های تحقیق پاسخ داده شد.

جدول ۱- توزیع فراوانی جامعه آماری و براساس جنسیت و مقطع تحصیلی

مقطع		جنسیت		زن		مرد		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
فقط کارشناسی ارشد		۲۰۳	۸۳/۲	۴۱	۱۶/۸	۲۴۴	۱۰۰		
هر دو مقطع		۳۰	۷۱/۴	۱۲	۲۸/۶	۴۲	۱۰۰		
کل		۲۴۸	۸۲/۱	۵۴	۱۷/۹	۳۰۲	۱۰۰		

براساس داده‌های جدول ۱، ۲۴۴ پاسخگو فقط در مقطع کارشناسی از دانشگاه قم فارغ‌التحصیل شده‌اند، ۴۲ نفر فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد این دانشگاه بوده و ۱۶ نفر نیز هر دو مقطع را در این مرکز آموزشی سپری کرده‌اند.

جنسیت پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد، تعداد ۲۴۸ زن (۸۲/۱ درصد) و ۵۴ مرد (۱۷/۹ درصد)

به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند.

• عامل مرتبط با وضعیت موجود اشتغال: سطح تحصیلات

سؤال اول: تعیین ارتباط سطح تحصیلات فارغ‌التحصیلان با اشتغال آنان به صورت کلی و اشتغال آنان در حوزه‌های تخصصی رشته است.

جدول‌های ۲ و ۳ یافته‌های وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان را به تفکیک سطح تحصیلات آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲- وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان به تفکیک سطح تحصیلات

دکتری		دانشجوی دکتری		کارشناسی ارشد		دانشجوی کارشناسی ارشد		کارشناسی		سطح تحصیلات وضعیت اشتغال
						درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰/۰	۲	۸۳/۳	۱۰	۶۹/۵	۷۳	۴۷/۵	۱۹	۳۶/۴	۵۲	شاغل
۰/۰	۰	۱۶/۷	۲	۳۰/۵	۳۲	۵۲/۵	۲۱	۶۳/۶	۹۱	بیکار
۱۰۰/۰	۲	۱۰۰/۰	۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۵	۱۰۰/۰	۴۰	۱۰۰/۰	۱۴۳	جمع

همان‌طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، ۳۶ درصد از افرادی که در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شده‌اند، شاغل هستند، اما این میزان در بین افرادی که پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد در حال تحصیل هستند، ۴۷/۵ درصد می‌باشد. در بین دانشجویان دکتری نیز ۸۳/۳ درصد شاغل هستند. همه افراد دارای مدرک دکتری نیز شاغل می‌باشند. توزیع فراوانی شاغلین در زمینه‌های مرتبط با رشته تحصیلی به تفکیک سطح تحصیلات نیز محاسبه و در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- میزان اشتغال در حوزه‌های تخصصی و غیر تخصصی رشته، به تفکیک سطح تحصیلات

جمع		دکتری		دانشجوی دکتری		کارشناسی ارشد		دانشجوی کارشناسی ارشد		کارشناسی		سطح تحصیلات ارتباط شغل با رشته
								درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۵/۳	۵۵	۵۰/۰	۱	۱۰/۰	۱	۱۹/۲	۱۴	۳۱/۶	۶	۶۳/۵	۳۳	خیر
۶۴/۷	۱۰۱	۵۰/۰	۱	۹۰/۰	۹	۸۰/۸	۵۹	۶۸/۴	۱۳	۳۶/۵	۱۹	بله
۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰	۲	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۷۳	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۵۲	جمع

$\chi^2 = 29/488, P < 0/0001$

درصد کسانی که در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول فعالیت هستند، در افراد با تحصیلات مختلف متفاوت است. بیشترین درصد مربوط به دانشجویان دکتری (۹۰ درصد) و کم‌ترین درصد مربوط به افرادی است که تحصیلات آن‌ها تنها در حد کارشناسی می‌باشد، هرچند تعداد افراد دارای مدرک دکتری کم‌تر هستند و نمی‌توان آن را به بقیه تعمیم داد، اما در مقایسه بین افراد در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به نظر می‌رسد، بین سطح تحصیلات و داشتن شغل مرتبط رابطه معناداری وجود دارد.

• عوامل مؤثر بر ارتقاء وضعیت کاریابی

نیازهای زندگی، اکثر قریب به اتفاق فارغ‌التحصیلان را به سمت و سوی یافتن شغل سوق می‌دهد. بنابراین، بررسی عوامل بیکاری و عوامل عدم اشتغال به شغل‌های مرتبط با رشته از دیدگاه آنان عواملی را به دست می‌دهد که رفع آن‌ها وضعیت کاریابی را ارتقاء خواهد بخشید. از این‌رو، به منظور روشن شدن پاسخ سؤال دوم پژوهش، در پرسشنامه ارسالی، از افراد بیکار خواسته شده تا دلیل عدم اشتغال خود را بیان کنند که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی دلایل عدم اشتغال پاسخ‌گویان بیکار

درصد	فراوانی	دلایل عدم اشتغال
۴۰/۱	۷۵	نبود کار
۲۸/۹	۵۴	ازدواج و فرزندداری
۱۲/۸	۲۴	دنبال شغل نبوده‌ام
۷/۵	۱۴	قصد ادامه تحصیل داشته‌ام
۴/۳	۸	دلایل فرهنگی (مثل مخالفت خانواده با اشتغال بیرون از منزل)
۴/۳	۸	کمبود تجربه عملی
۲/۱	۴	سایر

در بین دلایل عدم اشتغال، «نبودن کار» بیشتر از سایر گزینه‌ها، مورد اشاره قرار گرفته است (۴۰/۱ درصد)، در مرتبه بعد «ازدواج و فرزندداری» باعث عدم اشتغال پاسخ‌گویان می‌باشد (۲۸/۹ درصد). ۱۲/۸ درصد دلایل نیز به افرادی مربوط است که قصد اشتغال نداشته‌اند. موارد دیگر کم‌تر از ۱۰ درصد در جدول شماره ۴ نشان داده شده و در گزینه سایر موارد، نداشتن پایان خدمت سربازی و اتمام کار پروژه‌ای مطرح گردیده است.

به منظور پاسخ به سؤال سوم، از کسانی که شغلشان مرتبط با رشته تحصیلی نبود، در مورد علت این مسئله سوال شد که پاسخها در جدول ۵ ارائه شده است.

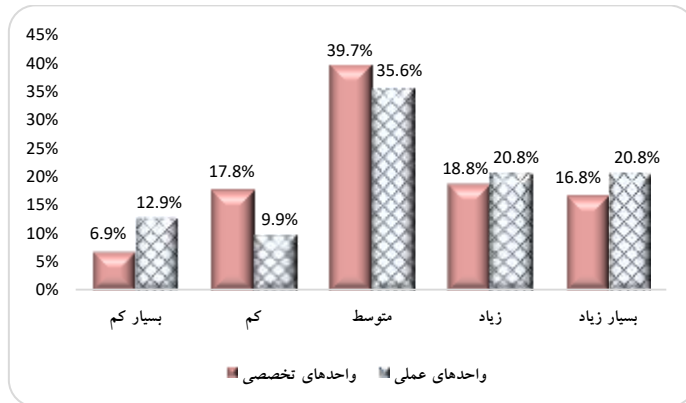
جدول ۵- توزیع فراوانی دلایل اشتغال پاسخ‌گویان به شغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی

درصد	فراوانی	دلایل
۶۲/۵	۳۵	عدم وجود بازار کار مرتبط
۱۶/۱	۹	عدم علاقه به رشته تحصیلی
۱۰/۷	۶	حقوق پائین مشاغل مرتبط
۷/۱	۴	تصمیم مدیران اداره
۱/۸	۱	تغییر رشته تحصیلی
۱/۸	۱	عدم امکان کار خارج از منزل

پرفراوانی‌ترین دلیل اشتغال پاسخ‌گویان در فعالیتهای غیرمرتبط با رشته تحصیلی «عدم وجود بازار کار مناسب» است، ۶۲/۵ درصد پاسخها به همین مسئله اشاره دارد. در مرتبه بعد و با فاصله زیاد ۱۶/۱ درصد پاسخها به «عدم علاقه به رشته تحصیلی» اختصاص یافته است. ۱۰/۷ درصد نیز پائین بودن حقوق مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی را علت فعالیت خود در مشاغل غیرمرتبط اعلام کرده‌اند. ۷/۱ درصد نیز پیرو تصمیم مدیران خود، در بخش‌هایی که با رشته تحصیلی ایشان سازگاری ندارد، فعالیت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت شغلی، داشتن دانش و مهارت لازم برای انجام وظایف مرتبط با شغل است. دانشگاه‌ها می‌توانند با ایفای صحیح نقش خود در این زمینه، آمادگی شغلی را در دانشجویان ارتقاء بخشند. عدم تطابق بین توانمندی فارغ‌التحصیلان و خواسته‌های کارفرمایان و نیازهای شغلی می‌تواند عاملی برای کاهش میزان اشتغال تلقی شود. تحقق این عامل می‌تواند سرنوشت شغلی و احتمال کارایی فارغ‌التحصیلان را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، تناسب دروس تخصصی و عملی رشته با بازار کار و میزان استفاده دانشجویان از محتوای علمی در محیط‌های شغلی از مواردی است که باید مورد کنکاش واقع شود.

پاسخ پرسش چهارم مبنی بر تعیین دیدگاه دانشجویان در خصوص مهارت‌های مورد نیاز در اشتغال و موفقیت رشته در ایجاد آن مهارت‌ها در نمودار ۱ و جدول ۶ ارائه شده است. دیدگاه پاسخ‌گویان شاغل در حوزه‌های تخصصی رشته، در مورد تناسب واحدهای تخصصی و عملی دانشگاهی با نیازهای شغلی در نمودار ۱ قابل مشاهده می‌باشد.



نمودار ۱- توزیع فراوانی نظرات پاسخ‌گویان در مورد تناسب واحدهای تحصیلی با نیازهای شغلی

نظر پاسخ‌گویان در مورد تناسب واحدهای تحصیلی تخصصی و عملی با نیازهای شغلی، مشابه است. تناسب زیاد یا بسیار زیاد واحدهای عملی توسط ۴۱/۶ درصد پاسخ‌گویان و تناسب زیاد یا بسیار زیاد واحدهای تخصصی توسط ۳۵/۶ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. ۲۲/۸ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که واحدهای عملی به میزان کم یا بسیار کم، با نیازهای شغلی آنها تناسب داشته است. همچنین ۲۴/۷ درصد به عدم تناسب واحدهای تخصصی با نیازهای شغلی اشاره کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت، پاسخ‌گویان، تناسب واحدهای عملی را با نیازهای شغلی، بیشتر از واحدهای تخصصی می‌دانند.

در جدول شماره ۶ میزان استفاده‌ی فارغ‌التحصیلان شاغل در حوزه‌های تخصصی رشته از مهارت‌های آموخته شده در دانشگاه برای انجام وظایف شغلی ارائه شده است.

جدول ۶- میزان استفاده از دانش و مهارت‌های کسب شده در محل تحصیل، در انجام وظایف شغلی

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
بسیار کم	۲	۲/۰
کم	۱۱	۱۰/۹
متوسط	۴۳	۴۲/۶
زیاد	۱۸	۱۷/۸
بسیار زیاد	۲۷	۲۶/۷
جمع	۱۰۱	۱۰۰/۰

کسانی که اعلام کرده‌اند دانش و مهارت‌های کسب شده در زمان تحصیل را به میزان زیاد یا

بسیار زیادی مورد استفاده قرار داده‌اند، ۴۴/۵ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. ۱۲/۹ درصد نیز میزان استفاده از دانش و مهارت‌های کسب شده در زمان تحصیل را کم یا بسیار کم اعلام کرده‌اند.

علاوه بر این، مواردی به عنوان عوامل دانشگاهی مؤثر بر اشتغال فارغ‌التحصیلان در نظر گرفته شد و دیدگاه فارغ‌التحصیلان در مورد میزان تأثیر آن عوامل بر کارایی بررسی گردید. پاسخ‌های فارغ‌التحصیلان به سوال پنجم در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- نظر پاسخ‌گویان در ارتباط با تاثیر عوامل مختلف دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان

بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		عوامل دانشگاهی مؤثر بر رشد کارایی
فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	
۱۵/۶	۴۷	۱۸/۵	۵۶	۳۵/۲	۱۰۶	۱۷/۵	۵۳	۱۳/۲	۴۰	وجود و رشد انجمن علمی دانشگاه
۴۰/۷	۱۲۳	۲۸/۸	۸۷	۱۵/۹	۴۸	۷/۶	۲۳	۷/۰	۲۱	ارتباط دانشگاه با سایر سازمان‌ها و نهادهای دارای فعالیت شغلی مرتبط با رشته
۵۳/۴	۱۶۱	۲۳/۵	۷۱	۱۳/۲	۴۰	۳/۳	۱۰	۶/۶	۲۰	معرفی دانشجویان به سازمان‌ها و مراکز مرتبط با رشته جهت کارورزی، کار افتخاری و کسب تجربه توسط دانشگاه
۳۳/۱	۱۰۰	۲۷/۸	۸۴	۲۳/۵	۷۱	۸/۶	۲۶	۷/۰	۲۱	ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره شغلی به فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه
۵۳/۷	۱۶۲	۲۳/۸	۷۲	۱۰/۶	۳۲	۴/۶	۱۴	۷/۳	۲۲	رابط بودن اساتید برای آشنایی دانشجویان با بازار کار
۲۴/۵	۷۴	۲۸/۱	۸۵	۲۸/۱	۸۵	۱۰/۹	۳۳	۸/۴	۲۵	سابقه‌ی پژوهشی فارغ‌التحصیلان و آثار علمی منتشر شده‌ی آنها

http://stun.gom.ac.ir

نسبت کسانی که تأثیر وجود و رشد انجمن علمی دانشگاه بر رشد کارایی خود را کم یا بسیار کم دانسته‌اند، تقریباً با نسبت کسانی که تأثیر وجود و رشد انجمن علمی را زیاد یا بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند، به هم نزدیک است (به ترتیب ۳۰/۷ و ۳۴/۱ درصد).

۶۹/۵ درصد پاسخ‌گویان تأثیر ارتباط دانشگاه با سایر سازمان‌ها و نهادهای دارای فعالیت شغلی مرتبط با رشته بر رشد کارایی افراد را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند و تنها ۱۴/۶ درصد پاسخ‌گویان تأثیر این عامل را کم یا بسیار کم ارزیابی کردند.

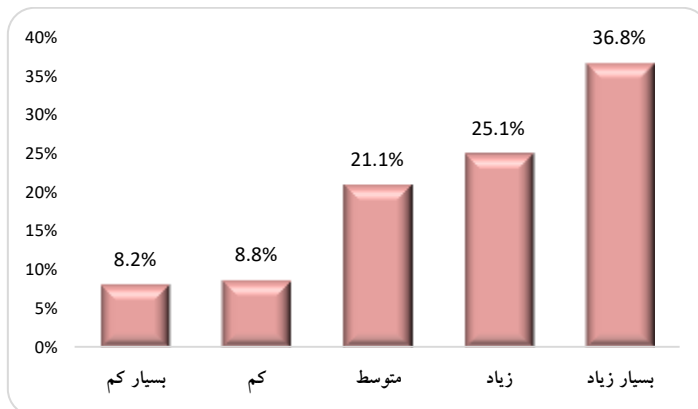
۷۶/۹ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که تأثیر معرفی دانشجویان به سازمان‌ها و مراکز مرتبط با رشته جهت کارورزی، کار افتخاری و کسب تجربه توسط دانشگاه، بر رشد کارایی آن‌ها زیاد یا بسیار زیاد بوده است. تنها ۹/۹ درصد تأثیر عامل مذکور را کم یا بسیار کم دانسته‌اند.

کسانی که تأثیر ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره شغلی به فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند، ۶۰/۹ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند، در مقابل ۱۵/۶ درصد نیز تأثیر عامل مذکور را بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان، کم یا بسیار کم دانسته‌اند.

۷۷/۵ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که رابط بودن اساتید برای آشنایی دانشجویان با بازار کار تأثیر زیاد یا بسیار زیادی بر رشد کارایی افراد دارد. اما ۱۱/۹ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که رابط بودن اساتید برای آشنایی دانشجویان با بازار کار تأثیر کم یا بسیار کمی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان دارد.

۵۲/۶ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که تأثیر سابقه‌ی پژوهشی فارغ‌التحصیلان و آثار علمی منتشر شده‌ی آنها بر رشد کارایی آن‌ها زیاد یا بسیار زیاد بوده است. اما ۱۹/۳ درصد تأثیر عامل مذکور را کم یا بسیار کم دانسته‌اند.

نمودار ۲- تأثیر کل عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان را نشان می‌دهد.



نمودار ۲- تأثیر عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان از منظر پاسخ‌گویان

در مجموع ۱۷ درصد پاسخ‌گویان تأثیر مجموع عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان را کم یا بسیار کم دانسته‌اند (۸/۲ درصد کم، و ۸/۸ درصد بسیار کم)، از سوی

دیگر ۶۱/۹ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که تاثیر مجموع عوامل دانشگاهی بر رشد کاریابی فارغ‌التحصیلان، زیاد یا بسیار زیاد بوده است. کسانی که این تاثیر را بسیار زیاد دانسته‌اند، ۳۶/۸ درصد بوده و کسانی که تاثیر مذکور را زیاد ارزیابی کرده‌اند، ۲۵/۱ درصد از کل پاسخ‌گویان بوده است.

• عوامل مؤثر بر ثبات شغلی

سؤال ششم پژوهش در حیطه‌ی عوامل مؤثر بر ثبات شغلی می‌باشد، که برخی از آن عوامل در ادامه اشاره شده است.

مشکلات شغلی می‌تواند از عوامل مخرب انگیزه برای استمرار شغل محسوب شود، جدول ۸ مهم‌ترین مشکلات شغلی که فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات با آن مواجه هستند را نشان می‌دهد.

جدول ۸- مشکلات شغلی پاسخ‌گویان

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
حقوق و مزایای نامناسب	۴۹	۳۸/۶
فقدان مهارت لازم	۱۸	۱۴/۲
دشواری کار	۱۷	۱۳/۴
فقدان دانش و آگاهی	۱۶	۱۲/۶
محیط کاری نامناسب	۱۵	۱۱/۸
سایر	۱۲	۹/۴

۳۸/۶ درصد «حقوق و مزایای ناکافی» را به عنوان مشکل خود مشخص کرده‌اند. ۱۴/۲ درصد عنوان کرده‌اند که «عدم وجود مهارت‌های لازم» مشکل اصلی آن‌ها در محل کار آن‌ها بوده‌اند. گزینه «دشواری کار» توسط ۱۳/۴ درصد به عنوان مشکل شغلی مورد اشاره قرار گرفته است. ۱۲/۶ درصد پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که در محل کار خود با «فقدان دانش و آگاهی» مواجه بوده‌اند. نامناسب بودن محل کار نیز توسط ۱۱/۸ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این از پاسخ‌گويانی که در زمینه‌های مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال داشته‌اند، در مورد تصمیم به استمرار شغل یا موقتی بودن آن سؤال شده است. ۸۰/۲ درصد افراد قصد دارند در همین شغل فعالیت خود را ادامه دهند. مهم‌ترین دلایل استمرار شغلی که توسط آن‌ها ابراز شده، در جدول ۹ قابل مشاهده است.

جدول ۹- علت تصمیم به ادامه فعالیت در شغل فعلی

علتها	فراوانی	درصد
علاقه شخصی	۵۹	۳۵/۵
محیط شغلی مناسب	۴۰	۲۴/۲
موقعیت اجتماعی مناسب	۳۲	۱۹/۳
ساعت کاری مناسب	۱۶	۹/۶
درآمد مناسب	۱۲	۷/۲
نبود موقعیت‌های شغلی بهتر	۳	۱/۸
سایر	۴	۲/۴

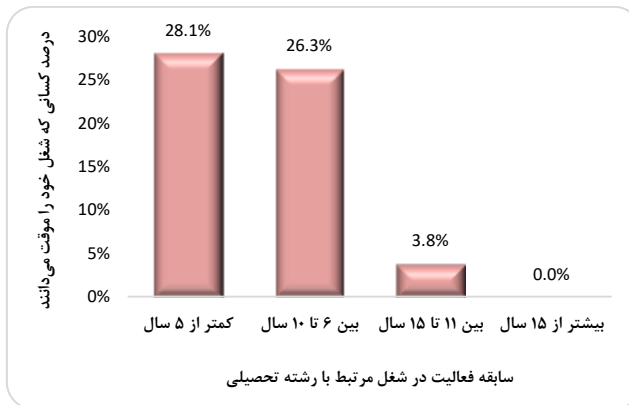
علاقه شخصی مهم‌ترین دلیل برای ادامه فعالیت در شغل فعلی کسانی است که در حال حاضر در مشاغل مرتبط با رشته علم اطلاعات مشغول فعالیت هستند. ۳۵/۵ درصد پاسخ‌ها به این گزینه اشاره دارد. ۲۴/۲ درصد پاسخ‌ها نیز به محیط شغلی مناسب به عنوان علت تصمیم به ادامه فعالیت در شغل فعلی مربوط است. ۱۹/۳ درصد نیز عنوان کرده‌اند که به دنبال کسب موقعیت اجتماعی مناسب، تصمیم گرفته‌اند به فعالیت در شغل فعلی خود ادامه دهند.

همه کسانی که در حال حاضر در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود فعالیت می‌کنند، تصمیم ندارند که کار خود را ادامه دهند. ۱۹/۸ درصد پاسخ‌گویان شاغل در حوزه‌های تخصصی، اظهار کرده‌اند که قصد دارند شغل خود را تغییر دهند. از این افراد خواسته شده است دلیل این تصمیم خود را بیان کنند. جدول ۱۰، مهم‌ترین علل اظهار شده توسط آنها را نشان داده است.

جدول ۱۰- علت تصمیم به تغییر شغل

علتها	فراوانی	درصد
حقوق و مزایای پایین	۸	۴۲/۰
محیط شغلی نامساعد	۴	۲۱/۰
تغییر رشته تحصیلی	۱	۵/۳
پیشرفت مستلزم ایجاد تغییر محیط کاری است	۱	۵/۳
دشواری کار	۱	۵/۳
ساعت کاری زیاد	۱	۵/۳
عدم همکاری مسئولین در ارتقای شغلی و پیشرفت در محیط کار	۱	۵/۳
علاقه به کار تخصصی شخصی	۱	۵/۳
یکنواختی و محدودیت‌ها	۱	۵/۳
جمع	۱۹	۱۰۰/۰

مهم‌ترین دلایل تصمیم پاسخ‌گویان برای تغییر شغل خود، پائین بودن حقوق و مزایا و نامناسب بودن محیط کاری بوده که به ترتیب توسط ۴۲ و ۲۱ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این، نمودار ۳ نشان می‌دهد با افزایش سابقه کاری، تصمیم افراد برای تغییر شغل تغییر می‌کند.



نمودار ۳- نسبت کسانی که شغل خود را موقتی می‌دانند (به تفکیک سابقه فعالیت مرتبط با رشته تحصیلی)

هرچه سابقه فعالیت مرتبط با رشته تحصیلی بیشتر باشد، احتمال اینکه فرد تصمیم به تغییر شغل بگیرد، کم‌تر می‌شود. افرادی که کم‌تر از ۱۰ سال در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود فعالیت می‌کنند، با احتمالی بیشتر از ۲۵ درصد تصمیم به تغییر شغل خود دارند.

۴. نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد، بخش اعظم جوانان به امید اشتغال وارد دانشگاه‌ها می‌شوند و انتظار دارند پس از فراغت از تحصیل، شاغل شوند. از این‌رو بررسی علمی عوامل مرتبط و اثرگذار بر اشتغال آنان در رشته‌های تحصیلی مختلف می‌تواند، هم به دانشجویان دید روشن‌تری در انتخاب مسیر علمی و شغلی خود عطاء کند و هم دست‌اندرکاران می‌توانند با دست پر و پیش‌زمینه‌های علمی و نه تخمینی، تصمیمات درست را اتخاذ نمایند.

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مرتبط با اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی پرداخته و جامعه هدف خود را فارغ‌التحصیلان این رشته در دانشگاه قم قرار داده است. در این بخش، براساس یافته‌ها، پژوهشگر به مقایسه نتایج با دیگر پژوهش‌ها پرداخته و تحلیل خود را به همراه پیشنهادهای برای حل مسائل موجود، ارائه می‌دهد.

در پژوهش حاضر، از جهت ارتباط شغل با تحصیلات این نتیجه حاصل شد که، با افزایش سطح تحصیلات، درصد افراد شاغل بیشتر شده است، به صورتی که ۳۶/۴ درصد پاسخ‌گویانی که تحصیلاتشان در حد کارشناسی است، شاغل بوده‌اند. این نسبت در بین دانشجویان کارشناسی ارشد ۴۷/۵ درصد و در بین افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۶۹/۵ درصد بوده است. ۸۳/۳ درصد دانشجویان دکتری و همه افراد دارای مدرک دکتری شاغل بوده‌اند. هرچند دارندگان مدرک دکتری بسیار کم بوده و نمی‌توان آن را با مقاطع دیگر مقایسه کرد، اما مقایسه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به خوبی مبین این مسئله است. البته این مورد در پژوهش‌های قبلی تأیید شده بود که از جمله آنها می‌توان به محمودیان و رشوند (۱۳۹۱) و احمدی (۱۳۹۳) اشاره کرد. این وضعیت در پژوهش امینی و منصور (۱۳۸۷) و شرفی و مقدم (۱۳۹۳) هم قابل مشاهده است که بعد از اتمام تحصیلات کارشناسی ارشد، سطح اشتغال به مراتب افزایش داشته است. آقاجان (۱۳۹۱) نیز اذعان دارد که میانگین میزان تأثیر مدرک کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان ۳/۲۷ می‌باشد و براساس یافته‌های به دست آمده در ارتباط با «میزان تأثیر مدرک کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان» می‌توان چنین نتیجه گرفت که گذراندن دوره کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌های کشور موجب آماده شدن آنها برای ورود به بازار کار در سطح قابل قبولی است، ولی عالی نیست و مسئولین بایستی در جهت ارتقای آمادگی برای ورود به بازار کار دانشجویان این دوره تلاش بیشتری نمایند.

در مقابل این نتایج، حسین‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهش خود اذعان کرده است که با تغییر مقطع از کارشناسی به کارشناسی ارشد، میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان کاهش می‌یابد که علت آن با توجه به تفاوت رشته تحصیلی بررسی شده در این دو پژوهش قابل توجیه است.

اما از جنبه‌ی ارتباط بین سطح تحصیلات و داشتن شغل مرتبط، یافته‌ها نشان داد: درصد کسانی که در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول فعالیت هستند، در افراد با تحصیلات مختلف متفاوت است. بیشترین درصد مربوط به دانشجویان دکتری (۹۰ درصد) و کم‌ترین درصد مربوط به افرادی است که تحصیلات آن‌ها تنها در حد کارشناسی بوده و رابطه معناداری بین سطح تحصیلات و داشتن شغل مرتبط مشاهده گردید. این یافته نیز با نتیجه پژوهش حبیب‌اله نتاج عمران (۱۳۹۰) هم‌سو است. این پدیده می‌تواند متأثر از چند عامل باشد، اول اینکه تعداد افرادی که به

مقطع دکتری وارد شده یا فارغ التحصیل شده‌اند، به مراتب کم‌تر از دانشجویان دیگر مقاطع است و عرضه و تقاضا تناسب بیشتری دارد. به علاوه، سطح تخصص‌های رشته در این قشر بالاتر است و از نظر اجتماعی و فرهنگی، کارفرمایان اطمینان بیشتری به تحصیل‌کرده‌های مقطع دکتری دارند.

در ارزیابی علل بیکاری فارغ‌التحصیلان، از دیدگاه آنان، عمده‌ترین دلیل که توسط ۴۰/۱ درصد از پاسخ‌گویان انتخاب شده، «نبودن کار» است. در مرتبه بعد «ازدواج و فرزندداری» باعث عدم اشتغال پاسخ‌گویان بوده (۲۸/۹ درصد) و ۱۲/۸ درصد دلایل نیز به افرادی مربوط است که قصد اشتغال نداشته‌اند. البته انتخاب دو گزینه‌ی اخیر در پژوهش حاضر می‌تواند به علت حجم بالای پاسخ‌گویان زن (۸۲/۱ درصد) و شرایط خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به جنسیت آنان باشد. به عنوان مؤید این تحلیل، می‌توان به پژوهش کربلاآقایی کامران (۱۳۸۷) که در آن فقط جامعه زنان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اشاره کرد. عمده‌ترین عامل بیکاری در پژوهش او، ازدواج، فرزندآوری و مسائل خانوادگی قلمداد شده است. همچنین تحقیقات مهدی‌نژاد (۱۳۷۹) و سعیدی‌رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) که در آن‌ها، «نبود فرصت‌های شغلی» در رتبه‌ی اول عوامل بیکاری قرار گرفته است، با پژوهش حاضر تطابق دارد.

از میان شاغلین نیز عده‌ای هستند که توفیق حضور در عرصه‌های تخصصی رشته را کسب نکرده‌اند. پژوهشگر مهم‌ترین علل آنان را جویا شد و به این نتیجه دست یافت که، عمده‌ترین دلیل اشتغال پاسخ‌گویان در فعالیت‌های غیرمرتبط با رشته تحصیلی «عدم وجود بازار کار مناسب رشته» است و ۶۲/۵ درصد پاسخ‌ها به همین مسئله اشاره دارد. در مرتبه بعد و با فاصله زیاد ۱۶/۱ درصد پاسخ‌ها مربوط به «عدم علاقه به رشته تحصیلی» می‌باشد. ۱۰/۷ نیز پائین بودن حقوق مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی را علت فعالیت خود در مشاغل غیر مرتبط اعلام کرده‌اند. ۷/۱ درصد نیز پیرو تصمیم مدیران خود، در بخش‌هایی که با رشته تحصیلی ایشان سازگاری ندارد، فعالیت می‌کنند. در پژوهش گنجیان (۱۳۵۳)، کربلاآقایی کامران (۱۳۸۷) هم مانند پژوهش پیش‌رو بالاترین فراوانی به «مشکلات استخدامی و نیافتن شغل مرتبط با رشته» اختصاص یافته است. الفت (۱۳۸۲) نیز دیدگاه دانشجویان را در همین زمینه جویا شده و فارغ‌التحصیلان عمده‌ترین عوامل را عدم شناخت سازمان‌ها از رشته، نداشتن معرف برای استخدام، نامرتب بودن دروس با بازار کار، نداشتن مهارت‌های لازم برای انجام شغل مرتبط و... دانسته‌اند. اما از آنجایی که در گذشته فرصت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان در وضعیت نابسامان سالیان اخیر قرار نداشت،

موارد دیگری به عنوان علت عدم ارتباط شغل شاغلین با رشته تحصیلی پررنگ بود. ناهماهنگی یافته‌ی پژوهش حاضر با پژوهش مجذوب‌صفا (۱۳۵۰) بدین جهت است. در این پژوهش عمده‌ترین دلیل، عدم امکان انتقال از شغل قبلی و عدم علاقه به تغییر شغل معرفی شده است.

یکی از رسالت‌های بنیادین مراکز آموزش عالی، تولید نیروی انسانی توانمند و ماهر برای برآوردن نیازهای جامعه است. طبق پژوهش الفت (۱۳۸۲) توانایی‌های عملی کسب شده در دانشگاه و داشتن تجربه‌ی قبلی از عوامل مؤثر بر اشتغال در حوزه‌های تخصصی قلمداد شده است. از این‌رو، دانشگاه‌ها عموماً با طراحی واحدهای تخصصی و واحدهای عملی، سعی دارند آگاهی و مهارت لازم برای حوزه‌های تخصصی را به دانشجویان خود القاء کنند. اما میزان موفقیت آنان در این امر باید در واقعیت بیرونی مورد بررسی و مشاهده قرار بگیرد و ارزیابی شود. به همین جهت، محقق از پاسخ‌گویانی که در شغل‌های مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول فعالیت بوده‌اند، در مورد تناسب واحدهای تخصصی و عملی دانشگاهی با نیازهای شغلی ایشان سؤال پرسیده است. تناسب زیاد یا بسیار زیاد واحدهای عملی توسط ۴۱/۶ درصد پاسخ‌گویان و تناسب زیاد یا بسیار زیاد واحدهای تخصصی توسط ۳۵/۶ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. ۲۲/۸ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که واحدهای عملی به میزان کم یا بسیار کم، با نیازهای شغلی آنها تناسب دارد. همچنین ۲۴/۷ درصد به عدم تناسب واحدهای تخصصی با نیازهای شغلی اشاره کرده‌اند. با توجه به آنچه ذکر شد، به طور کلی می‌توان گفت پاسخ‌گویان، تناسب واحدهای عملی را با نیازهای شغلی، بیشتر از واحدهای تخصصی می‌دانند. تقریباً شبیه همین یافته را دهنوی (۱۳۷۶) در مورد رشته مدیریت دولتی و بازرگانی نشان داده است. گارسیا آلوارز و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در تحقیق خود دریافتند، همه فارغ‌التحصیلان بر این عقیده‌اند که افزایش و بهبود در فعالیت‌های آموزشی برای تشویق و دسترسی بهتر آن‌ها به اشتغال از اولویت‌های اصلی است. فنتا و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیق خود بین کارآموزی و برخی مهارت‌ها مثل مهارت‌های ارتباطی و وضعیت اشتغال همبستگی مثبت ملاحظه کرده‌اند و بهبود برنامه‌ی درسی را برای رسیدن به اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان پیشنهاد می‌کنند. در تحقیقی دیگر، مطالعه‌ی ماگوسی و هیکوا^۲ (۲۰۱۵) به ناکافی بودن برنامه درسی و لزوم بررسی محتوای درسی جهت هماهنگی با بازار کار

1. Garcia Alvarez

2. Mugwisi & Hikwa

اشاره دارد. در اینجا لازم به ذکر است که برخی آموزش‌ها جهت ارتقاء وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی ضروری می‌باشد. یکی از آن موارد، آموزش‌های لازم برای کارآفرینی است. براساس تحقیق صفوی و مرادی (۱۳۹۲)، مهم‌ترین مانع ترغیب دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی به ایجاد کارآفرینی و اشتغال‌زایی، نبود آموزش مناسب جهت کسب درآمد از مهارت‌های حرفه‌ای است. این مطلب به قدری برای دانشجویان اهمیت داشته که نبود نهادهای حمایتی رسمی و غیررسمی، کم‌اثرترین عامل عدم کارآفرینی تلقی شده است. علاوه بر این، بررسی‌های انجام گرفته توسط رحمانی و انصاری (۱۳۹۶) نشان داد که مهارت‌های خدمات مرجع و فناوری اطلاعات از مهم‌ترین نیازمندی‌های فارغ‌التحصیلان برای ورود به بازار کار هستند.

در کنار این موارد، برای دانشجویان ناراحت‌کننده است که، برخی از مهارت‌های آموخته شده در دانشگاه استفاده‌ای در بهبود وظایف شغلی آن‌ها ندارد. در این پژوهش کسانی که اعلام کرده‌اند دانش و مهارت‌های کسب شده در زمان تحصیل را به میزان زیاد یا بسیار زیادی مورد استفاده قرار داده‌اند، ۴۴/۵ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. ۱۲/۹ درصد نیز میزان استفاده از دانش و مهارت‌های کسب شده در زمان تحصیل را کم یا بسیار کم اعلام کرده‌اند. تقریباً مشابه یافته‌های پژوهش حاضر، نتایجی است که دهنوی (۱۳۷۶) در بررسی خود نسبت به رشته‌های مدیریت بازرگانی و مدیریت دولتی به آن دست یافت. اما در رشته‌ی مدیریت صنعتی اکثر افراد (۴۶/۷ درصد) این استفاده را در حد متوسط دانسته و نیز در پژوهش زینالی (۱۳۹۰) تنها ۱۷/۲ درصد از افراد میزان استفاده از تحصیلات تخصصی در محیط شغلی را در حد زیاد و خیلی زیاد توصیف کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های سعیدی‌رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) و شرفی و مقدم (۱۳۹۳) که تناسب و استفاده از محتوای درسی در محیط شغلی برای دانش‌آموختگان را چندان راضی‌کننده ندانسته‌اند، ناهمسو است. گمان می‌رود، این تفاوت ناشی از برنامه‌ریزی‌های آموزشی و محتوایی هر یک از مراکز آموزشی، یا هر گروه تخصصی برای واحدهای تحصیلی دانشجویان و یا چگونگی ارائه درس توسط اساتید است. به طور کلی، همان‌طور که باغفلکین و پرندین (۱۳۹۶) نشان داده‌اند، عوامل آموزشی به صورت معناداری در بیکاری فارغ‌التحصیلان نقش دارد.

بدون شک سهولت در کارهایی در مشاغل تخصصی رشته‌ی تحصیلی، یکی از دغدغه‌ها و خواسته‌های فارغ‌التحصیلان است. به نظر می‌رسد مراکز آموزش عالی از ظرفیت مناسبی برای

ایفای نقش در این عرصه برخوردارند. در این پژوهش با پیشنهاد عوامل مختلفی که دانشگاه می‌تواند در زمینه‌ی رشد کارایی مدّ نظر قرار داده و اقداماتی را در آن جهت صورت دهد، از پاسخ‌گویان خواسته شد، نظر خود را در مورد میزان اثرگذاری این عوامل بر رشد کارایی بیان نمایند. درصد فراوانی افرادی که تأثیر هر عامل را در حدّ زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند، نسبت به دیگر پاسخ‌گویان به این شرح است: اثربخشی وجود و رشد انجمن علمی دانشگاه را ۳۴/۱ درصد افراد، زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. ارتباط دانشگاه با سایر سازمان‌ها و نهادهای دارای فعالیت شغلی مرتبط با رشته در آراء ۶۹/۵ درصد پاسخ‌گویان در حدّ بالایی مؤثر تلقی شده است. اینکه دانشگاه، دانشجویان را به سازمان‌ها و مراکز مرتبط با رشته جهت کارورزی، کار افتخاری و کسب تجربه معرفی نماید، به عقیده‌ی ۷۶/۸ درصد از پاسخ‌گویان اثر زیاد و بسیار زیادی خواهد داشت. کسانی که تأثیر ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره شغلی به فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند، ۶۰/۹ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. بالاترین اثرگذاری به رابط بودن اساتید برای آشنایی دانشجویان با بازار کار با ۷۷/۵ درصد در حدّ زیاد و خیلی زیاد مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت ۵۲/۶ درصد سابقه‌ی پژوهشی فارغ‌التحصیلان و آثار علمی منتشر شده‌ی آنها را در حدّ زیاد و خیلی زیاد تلقی کرده‌اند. بررسی عوامل دانشگاهی به صورت کلی نشان داد، در مجموع ۶۱/۹ درصد پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که تأثیر مجموع عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان، زیاد یا بسیار زیاد بوده است و فقط ۱۷ درصد پاسخ‌گویان تأثیر مجموع عوامل دانشگاهی بر رشد کارایی فارغ‌التحصیلان را کم یا بسیار کم دانسته‌اند.

در مقایسه‌ی نتایج این پژوهش با تحقیقات دیگر، یافته‌ی سعیدی رضوانی، محمدحسین زاده و باغگلی (۱۳۸۹) همسو با تحقیق پیش‌رو، گواه بر اثرگذاری این عوامل بر اشتغال است، اما دانشگاه‌ها چقدر به پیاده‌سازی این عوامل اهتمام دارند؟ پژوهش سعیدی رضوانی، محمد حسین زاده و باغگلی (۱۳۸۹) نشان داد، دیدگاه دانشجویان نسبت به پیاده‌سازی این عوامل توسط دانشگاه کاملاً منفی است. پژوهش دیگری که مؤلفه‌ای قابل مقایسه با یافته‌های پژوهش حاضر را بررسی کرده، پژوهش حسین‌نژاد (۱۳۹۴) می‌باشد. این پژوهش رابطه‌ی معناداری بین داشتن کارهای پژوهشی در رزومه تحصیلی و اشتغال کشف کرده است، به صورتی که کارهای پژوهشی در گروه شاغلین یک و نیم برابر افراد بیکار می‌باشد. براساس یافته‌های این پژوهش، روحیه‌ی

فعالیت و تلاشی که در پژوهشگران وجود دارد، آنان را در یافتن شغل تخصصی موفق تر قرار داده است. علاوه بر این، در پژوهش احمدی (۱۳۹۳) نیز رابطه‌ی معناداری بین اشتغال و مقطع تحصیلی گزارش شده است.

در راستای بررسی عواملی که ثبات شغلی را در فارغ‌التحصیلان تضمین می‌کند، مسائل مختلفی همچون مشکلات شغلی، علت‌های استمرار شغل و علل تغییر شغل مورد سؤال قرار گرفت.

۳۸/۶ درصد «حقوق و مزایای ناکافی» را به عنوان مهم‌ترین مشکل خود مشخص کرده‌اند. ۱۴/۲ درصد عنوان کرده‌اند که «عدم وجود مهارت‌های لازم» مشکل اصلی آن‌ها در محل کار آن‌ها بوده‌اند. گزینه «دشواری کار» توسط ۱۳/۴ درصد به عنوان مشکل شغلی مورد اشاره قرار گرفته است. ۱۲/۶ درصد پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که در محل کار خود با «فقدان دانش و آگاهی» مواجه بوده‌اند. نامناسب بودن محل کار نیز توسط ۱۱/۸ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. این نتایج تقریباً همسو با یافته‌های پژوهش سعیدی رضوانی، محمد حسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) می‌باشد. در بررسی‌های پژوهش حاضر، تعداد کمی از فارغ‌التحصیلان تکرار و یکنواختی، استفاده نکردن مراجعین از منابع موجود، توجه کم مسئولین به واحد کتابخانه، ساعت کاری زیاد محیط کار، عدم آشنایی بخش خصوصی و دولتی با رشته و ظرفیت‌های آن، عدم آگاهی دیگران نسبت به این رشته، عدم استفاده از مهارت‌های کتابداران، عدم امنیت شغلی، فقدان مهد کودک و... را عواملی آزردهنده در محیط شغلی خود دانسته‌اند. بنابراین، ناکافی بودن حقوق از دغدغه‌های اصلی فارغ‌التحصیلان است که می‌تواند مرتبط با وضعیت گرانی، تورم و نابسامانی اقتصادی سال‌های اخیر باشد.

نکته‌ی دیگری که در ادامه مشکلات شغلی می‌توان به آن پرداخت، بررسی این مسئله می‌باشد که آیا مشکلات و مسائل شغلی و در کنار آن مشکلات دیگر چقدر توانسته است، آنان را از استمرار در شغل تخصصی منصرف کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم مسائل و مشکلات موجود و انتظارات فارغ‌التحصیلان شاغل در حوزه‌های تخصصی، ۸۰/۲ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که قصد دارند در آینده نیز در همین شغل فعلی فعالیت خود را ادامه دهند. براساس پژوهش سعیدی رضوانی، محمد حسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) که همسو با پژوهش حاضر است، بیش از ۵۵ درصد افراد، شغل خود را موقتی نمی‌دانند. در تبیین علت‌های اصلی این پدیده، اظهارات پاسخ‌گویان به این شرح است: علاقه شخصی، مهم‌ترین دلیل برای

ادامه فعالیت در شغل فعلی کسانی است که در حال حاضر در مشاغل مرتبط با رشته علم اطلاعات مشغول فعالیت هستند و ۳۵/۵ درصد پاسخ‌ها به این گزینه اشاره دارد. ۲۴/۱ درصد پاسخ‌ها نیز به محیط شغلی مناسب به عنوان علت تصمیم به ادامه فعالیت در شغل فعلی اشاره دارد. ۱۹/۳ درصد نیز عنوان کرده‌اند که به دنبال کسب موقعیت اجتماعی مناسب، تصمیم گرفته‌اند که به فعالیت در شغل فعلی خود ادامه دهند. از این رو می‌توان گفت علاقه‌ی شخصی، محیط شغلی مناسب و موقعیت اجتماعی خوب از عوامل انگیزه‌بخش برای استمرار شغلی شاغلین حرفه‌های تخصصی است، که تقویت این عوامل می‌تواند آنان را مصمم به انجام درست و با انگیزه‌ی وظایف شغلی گرداند. در این میان ساعت کاری و درآمد نتوانسته است توجه شاغلین را برای ادامه دادن شغل جلب نماید.

علاوه بر این، انگیزه‌های اصلی کسانی که شغل تخصصی خود را موقتی دانسته و قصد تغییر شغل دارند، مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که، مهم‌ترین دلایل تصمیم‌گیریان برای تغییر شغل خود، پائین بودن حقوق و مزایا و نامناسب بودن محیط کاری بوده که به ترتیب توسط ۴۲ و ۲۱ درصد پاسخ‌گویان مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین، تناسب حقوق و مزایای شغلی با وضعیت تورم، گرانی و عقب‌نماندن میزان رشد حقوق و مزایا از میزان رشد تورم از ضروریاتی است که مسئولین اقتصادی باید اقدامات مناسبی در جهت بهبود آن انجام دهند. کنترل بازار، پایین آوردن تورم، رشد حقوق متناسب با رشد تورم می‌تواند انگیزه‌های کاری شاغلین را در جهات مثبت فعال کند و آنان با انگیزه‌ی بیشتر و قوی‌تری به کار خود بپردازند. البته شایان ذکر است، در شرایطی که کنترل بازار و تورم و افزایش حقوق دور از دسترس مدیران باشد، آنان می‌توانند با برنامه‌های انگیزه‌بخش مثل هدایا، امتیازات برای فعالیت‌های ویژه‌ی شغلی، برنامه‌ها و جوایز برای فرزندان کارکنان و... حس دلبستگی و تعهد آنان را تقویت نمایند. به علاوه، یافته‌های این پژوهش نشان داد، هرچه سابقه فعالیت شغلی مرتبط با رشته تحصیلی بیشتر باشد، احتمال اینکه فرد تصمیم به تغییر شغل داشته باشد، کم‌تر می‌شود. افرادی که کم‌تر از ۱۰ سال در شغل مرتبط با رشته تحصیل خود فعالیت می‌کنند، با احتمالی بیش‌تر از ۲۵ درصد تصمیم به تغییر شغل خود داشته‌اند.

۵. پیشنهادها

بنابر آنچه در این پژوهش ذکر شد، پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت اشتغال ارائه می‌گردد. (۱) ارتقاء سطح تناسب محتوای آموزشی با نیازهای عملی و مهارتی بازار کار: با توجه به

یافته‌های نمودار ۱ از آنجائی که بیش از نیمی از پاسخگویان معتقد هستند که از مهارت‌های آموخته شده در محیط شغلی در حد زیاد و بسیار زیاد بهره نمی‌برند، لذا، پیشنهاد می‌گردد که در بازنگری دروس و سرفصل‌ها، نیاز بازار مدنظر قرار گیرد.

۲) با توجه به یافته‌های نمودار ۱ و با در نظر گرفتن این موضوع که بیش از ۵۸ درصد تناسب واحدهای عملی با بازار کار و بیش از ۶۴ درصد تناسب واحدهای تخصصی با بازار کار را در حد زیاد و بسیار زیاد نمی‌دانند، بنابراین، پیشنهاد می‌گردد در ارائه دروس، رویکرد عملی و کاربردی بودن دروس مدنظر استادان قرار گیرد تا با تغییر در محتوای آموزشی بتوان مهارت‌های متناسب با بازار کار را در دانشجویان بوجود آورد.

۳) اعتباربخشی به سوابق پژوهشی، سوابق کاری دوره کارورزی و مشاغل موقتی همچون فهرست‌نویسی و کار پروژه‌ای و... جهت استفاده در مشاغل، جهت اثرگذاری در ایجاد امنیت شغلی و انگیزه‌بخشی به فارغ‌التحصیلانی که به صورت موقت در برخی مشاغل مرتبط مدتی را به فعالیت پرداخته‌اند و فارغ‌التحصیلانی که صاحب آثار پژوهشی هستند.

۴) رابط بودن اساتید برای معرفی دانشجویان با بازار، کار براساس توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان.
 ۵) ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره شغلی به فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه، که بیش از ۶۰ درصد فارغ‌التحصیلان آن را مؤثر در کارایی دانسته‌اند. برای این امر می‌توان از مشاوران شغلی و کارآفرینان دعوت کرد و راهکارهای صحیح اشتغال‌زایی متناسب با رشته به دانشجویان آموزش داده شود.

۶) جهت‌دهی بخشی از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های دانشجویان به عرصه‌های کاربردی، نیازهای بازار کار و تحقیقات مرتبط با راهکارهای ایجاد بسترهای شغلی در این رشته، و در نظر گرفتن حمایت‌های پژوهشی مناسب.

علاوه بر تحقیق حاضر، شایسته است پژوهش‌های دیگری مثل پژوهش تخصصی پیرامون «تناسب موادّ درسی تخصصی و عملی این رشته با بازار کار آن»، پژوهش با موضوع «میزان اثربخشی آگاهی دانش‌آموختگان از فناوری اطلاعات و ارتباطات در جذب آنان به بازار کار» و همچنین پژوهشی در رابطه با «بررسی راهکارها و بسترهای کارآفرینی و خوداشتغالی در بین دانش‌آموختگان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی» و... صورت بگیرد.

منابع

۱. احمدی، س. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی و عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۳(۱): ۱-۲۴.
۲. اخترپور، م. (۱۳۷۴). *بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های دولتی مستقر در تهران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران.
۳. آقاجان، ا. (۱۳۹۱). *بررسی میزان تأثیر مدرک کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی از ابعاد مختلف بر فارغ‌التحصیلان داخل کشور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
۴. امینی، ع.؛ منصوری، ف. (۱۳۸۷). تحلیل عوامل موثر بر اشتغال جوانان به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۳: ۱۲۱-۱۳۹.
۵. باغفلکی، ا.؛ پرندین، ش. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. *جمعیت*، ۲۴(۱۰۱-۱۰۲): ۵۹-۸۴.
۶. بختیار نصرآبادی، ح.؛ نوروزی، ر. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت شغلی، آموزشی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در یک دوره ده ساله ۱۳۶۵-۱۳۷۵. *علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱۹(۲): ۶۹-۸۲.
۷. بیگدلی، ز.؛ طاهرزاده موسویان، ص.؛ شاهینی، ش. (۱۳۹۶). میزان امیدواری دانشجویان رشته کتابداری به کاربایی بعد از فراغت از تحصیل. *توسعه اجتماعی*، ۱۱(۴): ۱۵۵-۱۸۲.
۸. جعفری‌هرندی، ر. (۱۳۹۸). ارزیابی کارایی بیرونی فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی دانشگاه قم براساس شاخص‌های وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۹(۲۷): ۲۰۳-۲۳۳.
۹. جهانی، ن. (۱۳۹۳). دیدگاه دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه پیام‌نور محمودآباد نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی خود. *مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۱(۲): ۱۲۹-۱۳۴.
۱۰. حبیب‌اله تاج‌عمران، س. (۱۳۹۰). *بررسی وضعیت اشتغال، نگرش و مهارت‌های شغلی فارغ‌التحصیلان تربیت بدنی دانشگاه گیلان (در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۶)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گیلان: گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان.
۱۱. حسین‌نژاد، ق. (۱۳۹۴). *بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم انسانی دانشگاه یاسوج طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۹ و ارتباط آن با برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. یاسوج: گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج.
۱۲. دهنوی، ح. (۱۳۷۶). *بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت دانشگاه‌های تهران (شاغل در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مشمول قانون استخدام کشوری)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه مدیریت دولتی، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. رحمانی، م.؛ انصاری، م. (۱۳۹۶). بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۳(۴): ۹۷-۱۱۴.
۱۴. رحیمیان، ح.؛ جهانی‌جوانمردی، ف.؛ نوروزی، م. (۱۳۹۷). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی. *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۷(۱۶): ۲۳۵-۲۵۲.

۱۵. زرقانی، م؛ شموسی، ن؛ محقق، ن؛ حاصلی، م؛ جهان‌جو ابد، ف؛ تهمتن، ا. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت به‌کارگیری کتابداران پزشکی در کتابخانه‌های بیمارستانی شهر تهران. *بیمارستان*، ۱۵(۱): ۷۷-۸۵.
۱۶. زینالی، ا. (۱۳۹۰). *بررسی عوامل مرتبط با وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان (رشته علوم اجتماعی) دانشگاه پیام نور شهرستان نقده (نظرسنجی) (دوره زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. سعیدی‌رضوانی، م؛ محمدحسین‌زاده، م؛ باغگلی، ح. (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۱۱(۲): ۵۷-۸۷.
۱۸. شرفی، م؛ مقدم، م. (۱۳۹۳). واکاوی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی: مطالعه موردی. *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱(۲): ۱۶۷-۱۹۲.
۱۹. شریعت‌زاده، م. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت فارغ‌التحصیلان رشته‌های کامپیوتر، امور مالی و حسابداری و زراعت شاخه کاردانش و مقایسه وضعیت آنان به ویژه از نظر اشتغال در بازار کار با فارغ‌التحصیلان شاخه‌ی نظری. *تعلیم و تربیت*، ۲۵(۴): ۷-۲۶.
۲۰. صالحی‌عمرانی، ا. (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن: مطالعه‌ی موردی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲(۲): ۴۱-۶۰.
۲۱. صفوی، ز؛ مرادی، خ. (۱۳۹۲). چالش‌ها و موانع ترغیب دانش‌آموختگان رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی به ایجاد کارآفرینی و اشتغال‌زایی. *نظام‌ها و خدمات اطلاعاتی*، ۲(۲): ۵۵-۶۶.
۲۲. الفت، ل. (۱۳۸۲). برخی از عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش‌آموختگان رشته مدیریت صنعتی. *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۱(۱): ۱۱-۳۲.
۲۳. قاندرحمت، ا. (۱۳۹۶). *بررسی عوامل مرتبط با وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در شهر یزد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. یزد: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد.
۲۴. کربلا آقایی‌کامران، م. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان زن مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال‌های رکود جذب فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌ها در بازار کار. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۱۹(۴): ۷۳-۹۰.
۲۵. گنجیان، م. (۱۳۵۳). *تحقیقی درباره فارغ‌التحصیلان فوق لیسانس علوم کتابداری دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۳ و نظام آموزشی علوم کتابداری از نظرگاه آنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
۲۶. مجذوب‌صفا، ا. (۱۳۵۰). *کارنامه پنج ساله ۱۳۴۵-۱۳۵۰: گروه آموزشی کتابداران از دیدگاه فارغ‌التحصیلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: گروه کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
۲۷. محمودیان، ح؛ رشوند، م. (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۲): ۸۳-۱۰۴.
۲۸. منصوریان، ی؛ علیپور، ا؛ قربانی بوساری، ر. (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان و دانش‌آموختگان دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی درباره چشم‌انداز فرصت‌های شغلی این رشته. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۴(۱): ۱۵۰-۱۶۵.
۲۹. مهدی‌نژاد، و. (۱۳۷۹). *نظرات فارغ‌التحصیلان سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ رشته‌های محض دانشکده علوم پایه دانشگاه سیستان و بلوچستان در مورد چگونگی جذب و اشتغال در بازار کار*. طرح پژوهشی درون‌دانشگاهی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

30. Babu Baral, K. (2018). Employment Status of the Graduates and Postgraduates of Janapriya Multiple Campus. *Janapriya Journal of Interdisciplinary Research*, 7: 100-104.
31. Fenta, H., Asnakew, Z.S., Debele, P.K., Nigatu, S.T., & Muhaba, A.M. (2019). Analysis of supply side factors influencing employability of new graduates: A tracer study of Bahir Dar University graduates. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 10(2): 67-85.
32. Garcia Alvarez, J., Losada, A.S. & Crespo Comesana, M. (2014). Prospects for Social employment insertion of gradutes in pedagogy in the Autonomous community of Galicia. *From the university to labour market, procedia-social and Behavioral Scinces*, 139 (2041): 412-418.
33. Li, T. & Zhang, J. (2010). What determines employment opportunity for college graduates in China after higher education reform? *China Economic*, 21(1): 38-50.
34. Lutwama, E. & Kigongo-Bukenya, M.N. (2004). A tracer study of the East African School F. Library and Information Science graduates 1995-1999 working in Uganda. *South African Journal of libraries and Information science*, 70(2): 99-109.
35. Mugwisi, T. & Hikwa, L. (2015). A Tracer Study of Master of Science in Library and Information Science Graduates from the National University of Science and Technology, Bulawayo, Zimbabwe. *African Journal of Library, Archives and Information Science*, 25(2): 173-183.
36. Shongwe, M. & Ocholla, D. (2013). An analysis of the library and information science (LIS) job market in South Africa. *South African Journal of Libraries and Information Science*, 79(1): 35-43.
37. The University of Western Ontario, faculty of Library and Information Science Placement Survey (2017). Retrieved 18 July, 2019 from:
https://www.fims.uwo.ca/programs/graduate_programs/master_of_library_and_information_science/placement_surveys/placement17.pdf.

References

1. Aghajan, E. (2012). **Evaluation the Impact of Library and Information Science Master's Degree on Graduates in Iran**. M.A. Thesis of Library and Information Sciences. Faculty of Educational Sciences & Psychology, University of Isfahan. [In Persian]
2. Ahmadi, S. (2014). Investigating the Employment Status of Sociology Graduates and Related Factors. *Economic & Developmental Sociology*, 3(1), 1-24. [In Persian]
3. Akhtarpour, M. (1995). **Investigating the Employment Status of Library and Information Science Graduates in M.A Deegre from Public Universities Based in Tehran (1368-1372)**. M.A. Thesis of Library and Information science. Tehran: Faculty of Management and Medical Information, Iran University of Medical Sciences. [In Persian]
4. Amibi, A. & Mansouri, F. (2009). An Analysis of Factors Influencing on Youth's Employment: A Case Study of Iran. *Economic research review*, 3: 121-139. [In Persian]
5. Babu Baral, K. (2018). Employment Status of the Graduates and Postgraduates of Janapriya Multiple Campus. *Janapriya Journal of Interdisciplinary Research*, 7: 100-104.
6. Baghfalaki, A. & Parandin, S. (2018). Investigating the Factors Affecting Unemployed Graduates of Islamic Azad University- Kermanshah Branch. *Population*: 24 (101-102): 59-84.

[In Persian]

7. Bakhtiar Nasrabadi, H. & Nourouzi, R. (2005). A Study of University Graduates' Educational and Job Status in a Ten-Year Period (1365-1375). *Research bulletin of Isfahan university (humanities)*, 19(2): 69-82. [In Persian]
8. Bigdeli, Z., Taherzadeh Mousavian, S. & Shahini, S. (2017). Job Expectancy of LIS Students after Graduation. *Social Development*, 11(4), 155-182. [In Persian]
9. Dehnavi, H. (1997). **Investigating the Employment Status of Management Graduates of Tehran Universities (Working in Ministries and Organizations Subject to the National Employment Law)**. M.A. Thesis of Governmental Management. Tehran: Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
10. Fenta, H., Asnakew, Z.S., Debele, P.K., Nigatu, S.T., & Muhaba, A.M. (2019). Analysis of supply side factors influencing employability of new graduates: A tracer study of Bahir Dar University graduates. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 10(2): 67-85.
11. Gandjian, H. (1974). **A Survey of the Graduates in Library Science Tehran University 1971-1974, and Their Evaluation of the Library Education System**. M.A. Thesis of Library Science. Tehran: Faculty of Education Department of Library Science, Tehran university. [In Persian]
12. Garcia Alvarez, J., Losada, A.S. & Crespo Comesana, M. (2014). Prospects for Social employment insertion of gradutes in pedagogy in the Autonomous community of Galicia. *From the university to labour market, procedia-social and Behavioral Scinces*, 139(2041): 412-418.
13. Ghaed-Rahmat, E. (2017). **Study of Social-Cultural Components Rrelated to the Occupation Situation of Academic Alumni in Yazd**. M.A. Thesis Sociology Science. Yazd: Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University.
14. Habibullah Nataj Omran, S. (2012). **Survey of Employment Status, Attitude and Job Skills of Physical Education Graduates of Guilan University (in years 2004-2008)**. M.A. Thesis of Physical Education and Sports Science. Guilan: Faculty of Physical Education and Sports Science, Guilan University. [In Persian]
15. Hoseinnezhad, G. (2016). **An Investigation on the Employment Status of Human Sciences Graduates of Yasouj University from 1389 to 1392 and its Relationship to Some Social and Population Variables**. M.A. Thesis of sociology since. Yasouj: Faculty of Humanities, Yasouj University. [In Persian]
16. Jafari Harandi, R. (2019). The Assessment of the External Efficiency of the Graduates of Qom University Based on the Indicators of Employment Status and Continuing Education. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 9(27): 203-233. [In Persian]
17. Jahani, N. (2015). The Attitudes of Library and Information Science Students of Mahmood-Abad, Payme Noor University, Towards Their Cources and Future Career, with the Approach of Information Management. *Knowledge and Information management*, 1(2): 129-134. [In Persian]
18. Karbala Aghaee Kamran, M. (2009). A Case Study on the Employment Status of B.A. Graduates from Alzahra University in Library and Information Science During the Recession Years. *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 19(4): 73-90. [In Persian]
19. Li, T. & Zhang, J. (2010). What determines employment opportunity for college graduates in

- China after higher education reform? *China Economic*, 21(1): 38-50.
20. Lutwama, E. & Kigongo-Bukenya, M.N. (2004). A tracer study of the East African School F. Library and Information Science graduates 1995-1999 working in Uganda. *South African Journal of libraries and Information science*, 70(2): 99-109.
 21. Mahmoudian, H. & Rashvand, M. (2012). Demographic and Social Factors Affecting Women's Employment of Higher Education Graduates (Case Study: Tehran). *Woman in Development and politics*, 10(2): 83-104. [In Persian]
 22. Majzoob Safa, A. (1971). **The Department of Library Science as Seen by Its Graduates 1967-1971**. M.A. Thesis of Library Science. Tehran: Faculty of Education Department of Library Science, University of Tehran. [In Persian]
 23. Mansourian, Y., Alipour, O. & Ghorbani Boosari, R. (2013). The Viewpoint of the Ph.D. Students and Alumni of Library and Information Science about the Job Prospects of this Field of Study. *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 24(1): 150-165. [In Persian]
 24. Mehdi-zhad, V. (2000). **Comments of Graduates from 1993 to 1996, Pure Fields of Faculty of Basic Sciences, Sistan and Baluchestan University, on How to Attract and Employ in the Labor Market**. Intra-University Research Project. University of Sistan and Baluchestan.
 25. Mugwisi, T. & Hikwa, L. (2015). A Tracer Study of Master of Science in Library and Information Science Graduates from the National University of Science and Technology, Bulawayo, Zimbabwe. *African Journal of Library, Archives and Information Science*, 25(2): 173-183.
 26. olfat, L. (2002). Some of the Factors Affecting the Employment of Graduates in Jobs Related Industries Management. *Industrial Management Studies*, 1(1): 11-32. [In Persian]
 27. Rahimiyan, H., Jahani Javanmardi, F. & Noruozi, M. (2019). Alumni Employment in the Field of Educational Administration at Allameh Tabataba'i University (ATU). *Management in the Islamic University*, 7(16): 235-252. [In Persian]
 28. Rahmani, M. & Ansari, M. (2018). Investigating the Educational Needs of Information Science and Knowledge Studies Students and Graduates. *Sciences and Techniques of Information Management*, 3(4): 97-114. [In Persian]
 29. Saeedy Rezvani, M., Hoseinzadeh, M. & Baghgoi, H. (2011). The Occupational Destiny of Education and Psychology Students Graduated from Ferdowsi University of Mashhad. *Studies in Education & Psychology*, (11)2: 57-87. [In Persian]
 30. Safavi, Z. & Moradi, K. (2013). Challenges and Barriers to Encourage Graduates of Library and Information Science to Entrepreneurship and Job Creation. *Information Systems and Services*, 2(2): 55-66. [In Persian]
 31. Salehi, E. (2006). Employment Status of Female Graduates: A Case Study. *IRPHE*, 12(1): 41-60. [In Persian]
 32. Sharafi, M. & Moghadam, M. (2017). Analyzing the Employment Status of the Educational Sciences Graduates: A Case Study. *Educational Leadership and Management*, 1(2): 167-192. [In Persian]

33. Shariatzadeh, M. (2009). Investigating the Educational and Employmental Status of Graduates in Computer, Finance, Accounting and Agriculture Fields in Branch of Work and Knowledge and Comparison of Their Status, Especially in Terms of Employment in the Labor Market with Graduates of the Theoretical Branch. *Quarterly Journal of Education*, 25(4): 7- 26. [In Persian]
34. Shongwe, M. & Ocholla, D. (2013). An analysis of the library and information science (LIS) job market in South Africa. *South African Journal of Libraries and Information Science*, 79(1): 35-43.
35. The University of Western Ontario, faculty of Library and Information Science Placement Survey (2017). Retrieved 18 July, 2019 from:
https://www.fims.uwo.ca/programs/graduate_programs/master_of_library_and_information_science/placement_surveys/placement17.pdf.
36. Zarghani, M., Shamousi, N., Mohageq, N., Haseli, M., Jahanjou Abad, F. & Tahamtan, I. (2016). Assessing the Medical Librarians' Employment Status in Hospital Libraries in Tehran City. *Hospital*, 15(1): 77-85. [In Persian]
37. Zeinaly, A. (2011). **Investigatin On Related Factors to Graduates Occupation of Nagadeh Payam-e-Nour University (Sociology Feild) (1380-1389)**. M.A. Thesis of Sociology Science. Tehran: Department of Social Sciences, University of Allame Tabatabaai. [In Persian]

استناد به این مقاله

DOI: 10.22091/stim.2020.5259.1376

صدرآبادی، زهرا؛ محمدی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی عوامل مرتبط با اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (مطالعه موردی فارغ‌التحصیلان دانشگاه قم). *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۱۷(۱): ۱۹-۵۲.